

## موانع تولید علوم انسانی دینی در جمهوری اسلامی ایران (با استفاده از دیدگاه‌های اساتید و صاحب‌نظران حوزه تولید علم دینی)

حسن محمد میرزائی<sup>۱</sup>

### چکیده:

بحث تولید علم دینی (بالاخص در حوزه مطالعات علوم انسانی) یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در مجامع علمی ایران (اعم از حوزوی و دانشگاهی) طی سالیان اخیر بوده که البته با فراز و نشیب‌های زیادی نیز همراه بوده است. اما به اعتقاد برخی این فعالیت‌ها آن‌چنان‌که باید و شاید شایسته و درخور اهداف انقلاب اسلامی نبوده و در واقع با آسیب‌ها و موانع مختلفی دست‌به‌گریبان بوده است. با توجه به همین موضوع، این مقاله در پی آن است که با بهره‌گیری از روش نسبتاً بدیع گراند تئوری (نظریه داده بنیاد) و با استفاده از دیدگاه‌های ۱۲ تن از اساتید و صاحب‌نظران مطرح این حوزه که با استفاده از نمونه‌گیری نظری (مبتنی بر هدف) انتخاب شده‌اند، موانع پیش روی تولید علوم انسانی دینی در ایران را تبیین و آسیب‌شناسی نماید که در نهایت با طی نمودن مراحل مختلف روش مزبور، این موانع را در سه سطح "معرفتی"، "ساختاری" و "ذهنی و اخلاقی" دسته‌بندی کرده و در پایان با انجام فرآیند کدگذاری‌های باز، محوری و گزینشی، مدل نظری خویش برای این مسئله مهم را پیشنهاد می‌نماید.

واژگان کلیدی: علم، علوم انسانی دینی، آسیب‌شناسی، نظریه داده بنیاد، جمهوری اسلامی ایران.

### مقدمه

#### الف) بیان مسئله

«ما تأکید می‌کنیم روی علم. این تأکید، جدی است؛ تعارف نیست؛ از روی یک احساس کاذب تشریفاتی موسمی نیست؛ بلکه از یک تشخیص عمیق و محاسبه‌شده برمی‌خیزد. زورگوئی در دنیا زیاد است. زورگویان متکی به قدرتشان هستند. آن قدرت و آن ثروت و آن امکانات، برخاسته‌ی از دانش آنهاست. بدون دانش نمی‌شود مقابله کرد، نمی‌شود مواجهه کرد» (بیانات معظم له در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۹/۰۷/۱۴؛ به نقل از

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد h.mirzaie@shahed.ac.ir

(KHAMENEI.IR). این قسمت از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، به خوبی بیانگر این واقعیت است که دنیای امروز دنیای علم و دانش است و شاید به جرأت بتوان گفت که علم و دانش، یکی از مهمترین مؤلفه های تأثیرگذار در آینده جوامع بشری- از سکولار گرفته تا دینی- است و بنا به تعبیری؛ «اگر فردا تحقق امکان های امروز است، فردا، فردای علمی است» (داوری اردکانی، ۱۳۸۳: ۱۲۷). از همین رو، در دنیای امروز علم دارای جایگاه والایی است و نسبت علمی دادن به بعضی ادعاها، استدلال ها و آثار تحقیقی، یک نوع امتیاز و یا نوعی خاصی از اعتماد محسوب می گردد (چالمرز، ۱۳۸۵: ۶).

اما با وجود این که طی دهه های اخیر (بالاخص پس از پیروزی انقلاب اسلامی) فعالیت های گوناگونی در مراکز و مؤسسات مختلف دولتی و غیر دولتی در راستای تولید علم دینی (به ویژه حوزه های علوم انسانی و اجتماعی) صورت گرفته است ولی با گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، مجموع این کارها چندان در خور توجه و در حد و اندازه این انقلاب و کشور نبوده است، موضوعی که حتی باعث نگرانی و دغدغه بسیاری از صاحب نظران و مسئولین کشور، گردیده است: «با پیروزی انقلاب اسلامی، در انتظار یک رویش جدید در عرصه علم و فن آوری بودیم؛ اما متأسفانه به دلایلی، هرچه از ابتدای انقلاب بیشتر فاصله می گیریم از آن حال و هوای مبارک و مقدس دورتر می شویم» (افروغ، ۱۳۸۶: ۱۹). البته با نگاهی به بیانات رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) متوجه می شویم که این موضوع از سال های بسیار دور مورد تأکید ایشان بوده و یکی از دغدغه ها و مطالبات اصلی ایشان از قشر فرهیخته - اعم از دانشگاهی و حوزوی- کشور بوده می باشد: «آنچه که باید در زمینه پیشرفت علم و استقلال در بینش علمی و پیگیری علمی کار کنیم، تا به حال کم کار کرده ایم» (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰: ۷۰۳) و همچنین این بخش از بیانات معظم له که حدود سه سال پیش به صورت جدی تر آن را مطرح نمودند: «اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. البته در انقلاب، در این بخش [بخش نرم افزاری تمدن]، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول [بخش سخت افزاری تمدن] حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خب، باید آسیب شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟» (بیانات ایشان در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳؛ به نقل از پایگاه اینترنتی (KHAMENEI.IR).

لذا در مجموع با عنایت به بحث های مهمی همچون؛ تأثیر شگرف علم و دانش درون زا بر: استمرار و بازتولید انقلاب اسلامی، ارائه الگوهای جدید برای پدیده های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ایجاد بستری لازم

جهت تأثیر پذیری بسیاری از کشورهای در حال توسعه (بالاخص مسلمان) از نظام جمهوری اسلامی و... در روند انجام این پژوهش محقق در پی آن است که با نگاهی آسیب شناسانه دلایل حرکت کند و نه چندان مطلوب تولید علوم انسانی دینی را بررسی و تبیین نماید. زیرا به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران انقلاب اسلامی ایران؛ تحقق ایده ها و آرمان های انقلاب اسلامی بدون در پیش گرفتن یک جنبش نرم افزاری ممکن نخواهد بود» (میرباقری، ۱۳۸۳: ۶۶).

### ب) ضرورت و اهداف

اما با توجه به مباحث ارائه شده، مهمترین دلایل اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق را می توان در موارد زیر احصاء نمود:

۱. اهمیت تولید علم در بازتولید و استمرار اصول و مبانی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران.
۲. لزوم طراحی و اجرای مدل های بومی همچون؛ الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، مردمسالاری دینی و... .
۳. شکل گیری تحولات اخیر در منطقه خاورمیانه و ایجاد بستری مناسب جهت انتقال تجربیات و مدل های طراحی شده در جمهوری اسلامی ایران.
۴. لزوم آسیب شناسی موانع پیش روی تحقق علوم انسانی دینی جهت آشنایی بیشتر مسئولین و پژوهشگران برای اتخاذ تدابیر مناسب جهت بازنگری مسیر طی شده و ادامه جدی تر و البته صحیح تر مسیر تحقق جنبش نرم افزاری.

در نهایت همانگونه که مشخص شد هدف و سؤال اصلی این تحقیق ناظر به موانع پیش روی تولید علوم انسانی دینی است که چگونگی تحقق این هدف در بخش روش شناسی تا حدودی تشریح خواهد شد.

پس سؤال اصلی این مقاله چنین است: مهمترین موانع پیش روی تولید علوم انسانی دینی چه عواملی هستند؟

### روش شناسی

نظریه برخاسته از داده، نظریه داده بنیاد، نظریه داده محور، نظریه داده نگر، نظریه زمینه ای و رویش نظریه (گراندد تئوری) تعابیری هستند که در منابع مختلف برای نام گذاری این روش کیفی مورد استفاده قرار گرفته است. این روش نسبتاً بدیع، روش شناسی ویژه ای است که با هدف نظریه سازی از داده ها بر اساس بنیان های تفسیری برساختی ابداع شده و در واقع عبارت است از کشف و استخراج نظریه از داده هایی که به طور منظم در فرآیند تحقیق اجتماعی به دست آمده باشند (حبیبی، ۱۳۹۳: ۳۰۴). اما در میان رهیافت های مختلف این روش

نظام مند، ظاهر شونده و ساخت گرایانه) در این تحقیق از رهیافت نظامند استراوس و کوربین (۱۹۹۰) استفاده گردیده است زیرا با توجه به نظام مندی و مناسب بودن رهیافت استراوس و کوربین برای انجام یک تحقیق اجتماعی و همچنین تأکید بیشتری که توسط صاحب نظران برای استفاده از این روش می شود، این پژوهش نیز همین رهیافت را مورد توجه خویش قرار داده است. همچنین با توجه به تازگی این روش لازم است توضیحات مختصری نیز پیرامون آن ارائه گردد؛ کوربین و استراوس کلیات شیوه خود را در این پنج گزاره بیان نموده اند: ۱. گردآوری و تحلیل داده های فرآیندهایی که به هم مرتبط هستند ۲. مفاهیم، واحدهای اصلی تحلیل هستند ۳. مقوله ها باید ایجاد شده و به هم ربط داده شوند ۴. نمونه برداری در نظریه داده بنیاد، مبتنی بر بنیان های نظری است ۵. تحلیل با استفاده از مقایسه های مستمر صورت می گیرد (کوربین و استراوس، ۱۹۹۰، لی، ۲۰۰۱: ۴۷؛ به نقل از دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۴-۹۳). اما این روش، در واقع بر استفاده از مراحل تحلیل داده ها از طریق سه نوع کدگذاری باز، محوری و گزینشی تأکید می گردد:

الف) کدگذاری باز: در این مرحله، پژوهشگر از طریق جزء به جزء کردن یافته ها به شکل بندی مقوله های (طبقه ها) اطلاعات درباره پدیده مورد مطالعه می پردازد. پژوهشگر با استفاده از داده های بدست آمده از مصاحبه ها، مشاهده ها، یادداشت های روزانه و یادداشت های فنی مقوله های اصلی و فرعی را مشخص می نماید.

ب) کدگذاری محوری: در این بخش، پژوهشگر یکی از مقوله های کدگذاری باز را انتخاب نموده و به عنوان مقوله یا پدیده اصلی (مقوله کانونی) در مرکز فرآیند مورد بررسی قرار می دهد و سپس سایر مقوله ها را به آن مرتبط می سازد. به طور کلی، این مقوله ها عبارتند از: ۱. شرایط علی (مقوله ها یا شرایطی که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می دهند) ۲. زمینه یا محیط (شرایط ویژه ای که راهبردها را تحت تأثیر قرار می دهد) ۳. مقوله اصلی (پدیده یا هستی اصلی فرآیند مورد مطالعه) ۴. شرایط واسطه ای (شرایطی عمومی محیطی که راهبردها را تحت تأثیر قرار می دهد) ۵. راهبردها (اقدامات یا تعامل های ویژه ای که از پدیده اصلی حاصل می شود) ۶. پیامدها (نتایجی که در اثر راهبردها پدیدار می شود). البته انجام مرحله کدگذاری محوری مستلزم ترسیم شکلی به نام نمودار کدگذاری است که رابطه میان شرایط علی، راهبردها، شرایط محیطی، و زمینه ای ویژه و پیامدهای حاصل را نمایش می دهد. ج) کدگذاری گزینشی: در این مرحله نیز، پژوهشگر به تکوین نظریه ای درباره مقوله های بدست آمده در الگوی کدگذاری محوری می پردازد. این نظریه، تبیینی نظری از فرآیندی است که مورد پژوهش قرار گرفته است (بازرگان، ۱۳۹۱: ۱۰۲-۹۶).

همچنین جامعه پژوهشی این تحقیق شامل کلیه صاحب نظران و فعالان عرصه تولید علوم انسانی دینی می باشند که با بهره گیری از روش نمونه گیری «نظری» یا «مبتنی بر هدف» تعداد ۱۲ تن از ایشان مورد مصاحبه باز قرار گرفته اند تا موضوع مورد بررسی تبیین گردد، اما در این نمونه گیری از موارد برجسته و افراد شاخص استفاده گردیده است چرا که هدف از این نمونه گیری انتخاب نمونه هایی است که با نظریه همخوانی بیشتری داشته باشد، نظریه را بسط دهد و برای مقولات مختلف نمونه هایی ارائه دهد (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۱۲۸). پس طبیعی است که در جریان انجام آن، انتخاب نمونه ها به صورت عمدی صورت گیرد چرا که تمرکز آن بر تدوین نظریه است (بازرگان، ۱۳۹۱: ۱۱۲). البته این انتخاب نمونه ها تا جایی پیش رفته که داده ها به مرحله اشباع برسند یا به عبارت دیگر، در مرحله ای از کار، داده های بدست آمده تکرار گردیده اند که در این صورت انتخاب و رجوع به نمونه ها متوقف گردیده است.

### تحلیل یافته های پژوهش

همانطور که گفته شد هدف اصلی این پژوهش «بررسی موانع موجود بر سر راه تولید علوم انسانی دینی» است، که یکی از بهترین ابزارها برای نیل به این هدف، بهره گیری از یافته هایی است که در مصاحبه با صاحب نظران و فعالان مختلف عرصه تولید علم دینی حاصل می گردد، در نتیجه سعی گردیده است که برای تحقق این مهم، با تعدادی از افراد مزبور گفتگو هایی صورت گیرد تا با استخراج و بهره گیری از یافته های بدست آمده از این مصاحبه های آزاد، امکان تولید مدلی نظری (در قالب استفاده از روش نظریه داده بنیاد) برای دستیابی به هدف فوق میسر و امکان پذیر گردد.

بنابراین مصاحبه ها - تا حد امکان - با محوریت شاخص ترین و اصلی ترین فعالان این عرصه انجام گرفته تا به لحاظ منطق نمونه گیری استفاده شده در این روش، یافته های بدست آمده به اشباع برسند و مبتنی بر آن ها بتوان مدلی تهیه نمود که از غنای لازم برای تبیین مسئله مورد نظر برخوردار باشد، لذا ماحصل تلاش های صورت گرفته مصاحبه با ۱۲ تن از برجسته ترین اساتید مراکز علمی مختلف می باشد، صاحب نظرانی که علی رغم تنوع نگرش ها و نگاه هایشان به مقوله تولید علم دینی، در اصل وجود موانع مختلف بر سر راه تولید علوم انسانی دینی، دارای اتفاق نظر هستند، هر چند که این اتفاق نظر دارای محور ها و درجات مختلفی است.

**جدول شماره ۱:** اسامی صاحب نظران و اساتید مصاحبه شده (به ترتیب حروف الفباء)

مرکز علمی محل فعالیت	نام استاد	ردیف
هیئت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران	تقی آزاد ارمکی	۱
هیئت علمی گروه روان شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)	صفدر الهی راد	۲
هیئت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه خوارزمی	شهلا باقری	۳
هیئت علمی گروه علوم اجتماعی اسلامی دانشگاه تهران	یحیی بوذری نژاد	۴
هیئت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران	حمید پارسانیا	۵
هیئت علمی گروه علوم اجتماعی اسلامی دانشگاه تهران	غلامرضا جمشیدیها	۶
هیئت علمی گروه معرفت شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)	محمد حسین زاده	۷
هیئت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)	حسین سوزنچی	۸
هیئت علمی گروه انسان شناسی دانشگاه تهران	ابراهیم فیاض	۹
هیئت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران	عبدالحسین کلانتری	۱۰
هیئت علمی گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف	مهدی گلشنی	۱۱
هیئت علمی گروه فلسفه و حکمت مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)	علی مصباح یزدی	۱۲

### الف) گدگذاری باز

همانگونه که در بخش روش شناسی گفته شد، اولین مرحله در بحث روش نظریه داده بنیاد، گدگذاری باز می باشد. در این مرحله با تجزیه داده های بدست آمده از مصاحبه ها و همچنین یادداشت های فنی صورت گرفته حین انجام مصاحبه، مقوله های اصلی و فرعی شناسائی می گردند، لذا - با توجه به هدف انجام این مصاحبه ها- دیدگاه های اساتیدی با رشته و تخصص های گوناگون (اعم از؛ جامعه شناسی، روان شناسی، انسان شناسی، فلسفه و حکمت، فلسفه علم، معرفت شناسی، متفکران اجتماعی مسلمان، مطالعات زنان و خانواده و...) به صورت مجزا (از مصاحبه های گرفته شده) استخراج و سپس تجزیه شده اند و در نهایت بر اساس داده های بدست آمده، موانع پیش روی تولید علوم انسانی اسلامی، در قالب مقوله های اصلی و فرعی تقسیم بندی شده اند. اما برای این منظور در یک نگاه کلی، ابتدا یافته ها و اطلاعات موجود در هر کدام از این مصاحبه ها، جزء به جزء شده و آن گاه در قالب

یک سری مقوله ها، شکل بندی و تقسیم بندی گردیده اند، و سپس هر کدام از این مقوله ها اصلی و فرعی شده و در نهایت پس از تعیین مقوله اصلی، سایر مقوله های شناسائی (در یک نظام منطقی) به آن مرتبط می شوند. اما با توجه به محدودیت های موجود در نگارش مقالات، امکان ارائه مبسوط و جداگانه مقولات مطرح شده از سوی صاحب نظران مزبور فراهم نبوده و صرفاً جمع بندی های بدست آمده در سطوح انتزاعی سه گانه به صورت جامع و دسته بندی شده در قالب جداول زیر ارائه می گردند:

**جدول شماره ۲: شکل بندی مقوله های بکار رفته در مصاحبه ها (بعد معرفی)**

مقوله کلی	مقوله های اصلی	برخی از مهمترین ابعاد اصلی هر مقوله (مقوله های فرعی)
معرفتی (شناختی)	* مسائل سلبی (در ارتباط با علم و فرهنگ علمی غرب)	۱. احاطه فرهنگ علمی غرب در سطح جهان و غالب بودن این دیدگاه در فضای علمی و دانشگاهی کشور ما/ اکتناهی فضای فکری و معرفتی بسیاری از اساتید و دانشجویان علوم انسانی بر مبانی و مبادی معرفتی غرب/ مطلق نگری و عدم برخورد صحیح بسیاری از طرفداران علم غربی با این علم و عدم آشنایی لازم با مبادی فلسفی و متافیزیکی آن/ عدم آشنایی و درک صحیح مباحث نظری موجود در علم غربی از سوی برخی حامیان جنبش نرم افزاری/ وجود نوعی استبداد معنایی در محدود نمودن مفهوم و گستره علم و برداشت تجربه گرایانه از علم/ وجود معارضان جدی معرفتی در زمینه تولید علم دینی و عدم اعتقاد و یقین به قابل شناخت بودن واقعیت و القاء برخی شکاکیت ها و مباحث نسبی گرایانه/ برخی برخورد های افراطی و نادرست تعدادی از طرفداران علم دینی در نقد نادرست تمدن و علم غرب و نسبت آن با اسلام/ کپی برداری ناقص و نادرست برخی معتقدین به علم دینی از مباحث نظری علم غربی.
	* مسائل ایجابی (در ارتباط با مبانی و کیفیت تولید علوم انسانی اسلامی)	۲. تلقی و برداشت نادرست از مفهوم علم دینی و عدم شناخت دقیق مسائل مربوط به آن از سوی برخی حامیان عرصه جنبش نرم افزاری/ عدم آشنایی دقیق، عمیق و همه جانبه دین توسط برخی صاحب نظران و حامیان تولید علم دینی و در نتیجه بهره گیری نه چندان درست از معارف موجود در آن/ عدم آشنایی کافی اساتید و دانشجویان علوم انسانی با مبانی فکری، معرفتی

<p>و قابلیت های تمدنی دین اسلام و در نتیجه عدم توانایی در تشخیص وجوه تمایز علم غربی و علم مطلوب اسلامی/ شکاف ایجاد شده بین علوم سنتی (اصول، کلام و...) و علوم جدید/ نادیده گرفتن ذخایر و پشتوانه های علمی و فرهنگی کشور در مراکز علمی و آموزشی/ مواضع انتزاعی، غیر واقع بینانه و غیر عملیاتی برخی رویکردهای موجود در زمینه تولید علم دینی/ تمرکز بیش از حد بر بُعد فرهنگی و تبلیغی بحث جنبش نرم افزاری و عدم تمرکز و فعالیت کافی در بُعد تئوریک و نظریه سازی/ عدم وجود همدلی و فضای کافی جهت گفتگو و انتقال تجربیات و ایده ها فکری و معرفتی بین تفکرات قائل به تولید علم دینی و جزیره ای عمل نمودن آن ها/ عدم وجود یک نهضت و خواست فراگیر در زمینه تولید علم دینی در میان مراکز علمی/ سطحی بودن بسیاری از تولیدات صورت گرفته در حوزه علم دینی و عدم انطباق آن ها بر منطق اسلامی/ کم کاری های صورت گرفته از سمت حوزه های علمیه به دلیل ضعف های معرفتی، بینشی و رسالتی موجود در آن ها/ عدم توجه جدی به مقوله فرهنگ (به شکل اعم و اخص آن) و جایگاه آن در عرصه پیشرفت علمی.</p>		<p>معرفتی (شناختی)</p>
---	--	----------------------------

### جدول شماره ۳: شکل بندی مقوله های بکار رفته در مصاحبه ها (بُعد ساختاری)

مقوله کلی	مقوله های اصلی	برخی از مهمترین ابعاد اصلی هر مقوله (مقوله های فرعی)
ساختاری	* مدیریتی (با تأکید بر عوامل انسانی فعال در عرصه های مدیریتی و اجرایی نهادهای ذی ربط)	۱. بهره گیری از افراد غیر متخصص، غیر مرتبط و غیر معتقد به بحث تولید علم دینی در مناصب مختلف مدیریتی و اجرایی (عمدتاً میانی) در دستگاه های ذی ربط و مراکز علمی و آموزشی (از تصمیم و سیاست گذاری تا اجراء)/ ضعف موجود در شورای عالی انقلاب فرهنگی (به عنوان عالی ترین مرجع تصمیم گیر در خصوص تحول در علوم انسانی) و عدم روشن بودن ضرورت تولید علوم انسانی دینی از سوی اعضای عمدتاً حقوقی این شورا/ استفاده از برخی نیروهای قوی فکری انقلاب و حلقه اصلی تولید علم دینی در مناصب سیاسی و اجرایی/



<p>مشغله ها و مسئولیت های فراوان و وقت گیر برخی فعالان و حلقه اصلی بحث تولید علم دینی/ عدم وجود کافی سیاست گذاری های دقیق و عملیاتی جهت بازخوانی و بازبینی دقیق مبانی فرهنگ علمی غرب و همچنین تولید علم دینی/ عدم قدرت اعمال تکلیف ساختاری (الزام آور نبودن تصمیمات و سیاست گذاری ها) و فراهم نشدن صحیح زمینه ها و مسیر اجرایی تولید علوم انسانی دینی.</p> <p>۲. قرار گرفتن اکثریت کرسی های علمی دانشگاهی در اختیار اساتیدی با رویکرد فرهنگ علمی غرب/ ادامه سیاست های جذب اعضای هیئت علمی (به ویژه در حوزه مطالعات علوم انسانی) معتقد به مبانی فرهنگ علمی غرب و مخالف با بحث تولید علوم انسانی دینی/ پایین بودن نسبی تعداد افراد (به نسبت مخالفان) متخصص و متعهد به مسئله تولید علم دینی/ شهادت برخی از اصلی ترین و قوی ترین نیروهای فکری انقلاب و به مسئولیت گماردن برخی دیگر از این افراد (البته اکثراً بنا به ضرورت) و دوری ایشان از فضاهای علمی و آموزشی/ حاشیه نشینی برخی اساتید فعال در زمینه تولید علم دینی و دوری آن ها از دانشگاه ها و مراکز مهم علمی و آموزشی/ عدم تلاش جدی جهت پشتوانه سازی انسانی و تقویت و بهره گیری از نیروهای جوان متعهد، متخصص و البته حق پذیر جهت فعالیت در عرصه های مختلف تولید علم دینی (بالاخص عرصه های آموزشی و پژوهشی)/ حضور برخی افراد بدون داشتن دانش کافی پیرامون مباحث و فضای علم جدید و علم دینی در فضاهای علمی و آموزش مربوط به تحول در علوم انسانی و تولید علوم انسانی اسلامی.</p>	<p>* آموزشی (با تأکید بر عوامل انسانی فعال در عرصه های آموزشی و پژوهشی در مراکز علمی و دانشگاهی)</p>	<p>ساختاری</p>
<p>۳. برخی سیاست زدگی های موجود در فضای مراکز علمی (انتصابات، رفتارها، جهت گیری ها و...) / سیاسی و تزریقی جلوه دادن مسئله تولید علوم انسانی دینی از سوی برخی منتقدین و معارضان/ ایجاد برخی حساسیت های بی مورد نسبت به بحث تولید علم دینی به دلیل برخی ناشی کاری های سیاسی صورت گرفته از</p>	<p>* عوامل سیاسی<sup>۱</sup> (عوامل ناشی از انواع سیاست زدگی های موجود که باید آن ها</p>	

<sup>۱</sup> در واقع این مقوله در میان هر کدام از مقوله های بخش ساختاری نیز قابل ارائه بود ولی با توجه به نقش و اهمیت عوامل سیاسی، آن را مستقلاً و به عنوان یک مؤلفه اصلی - که می تواند حتی با عوامل معرفتی و اخلاقی نیز ارتباط جدی داشته باشد - ذکر می نمایم.

<p>سوی بعضی مسئولین/ نگاه، برخورد و عملکرد حزبی، سیاسی و دولتی برخی مسئولین و نهادهای مهم تصمیم گیر در بحث تولید علوم انسانی دینی(بالاخص در نهادهایی چون: شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم)/ نفوذ و فعالیت دشمن در حوزه های علمیه و شکل گیری جریان های سیاسی زاویه دار با نظام در حوزه های علمیه و مخالفت آن ها با بحث تولید علم دینی به عنوان مسئله ای سیاسی.</p>	<p>را جدای از سایر بحث های سیاسی عالمانه و منصفانه دانست)</p>	
<p>۴. قدمت و امکانات جهانی و بسیار زیاد تمدن ۴۰۰ ساله غرب جدید و طولانی بودن پروسه مقابله با آن/ تنظیم و ادامه ساختارها و سازه های علمی و آموزشی کشور بر مبنای همان مؤلفه های فرهنگ علمی غرب با وجود پیروزی انقلاب اسلامی (بالاخص با سر کار آمدن دولت سازندگی و در پیش گرفتن برخی اقدامات سیاسی و اقتصادی مبتنی بر توسعه برون زا)/ رشد بسیار سریع و بی برنامه مراکز آموزش عالی بدون در نظر گرفتن مؤلفه های پیشرفت بومی/ تغییر ساختار و رسالت های اصلی و اولیه برخی مراکز علمی فعال در زمینه پر نمودن خلأهای علوم انسانی به صورت کوتاه مدت (همچون دانشگاه تربیت مدرس)/ در حاشیه بودن بسیاری از مراکز و مؤسسات فعال در زمینه تولید علم دینی و عدم ارتباط جدی و مناسب آن ها با سایر مراکز علمی و دانشگاهی/ برخی کمبودهای مالی و حمایتی از مراکز و افراد فعال در زمینه تولید علم دینی و عدم سرمایه گذاری و توجه جدی و طولانی مدت به آن ها/ عدم وجود صبر و تأمل کافی و تلقی نادرست از کوتاه مدت بودن فرآیند تولیدات علمی در عرصه علوم انسانی/ وجود برخی محدودیت ها، ابهامات و سنگ اندازی های ساختاری (قوانین، آیین نامه ها، دستورالعمل ها و...) جهت تسهیل در ایجاد رشته ها و جذب دانشجویانی با نگرش تحول گرایانه در علوم انسانی (وجود بروکراسی علمی منطبق با فرهنگ علمی غرب در ساختارها و سازمان های ذی ربط و تسلط جدی آن بر مراکز علمی و آموزشی)/ وجود ضعف های جدی در زمینه نشر، توزیع و معرفی تلاش ها</p>	<p>* سازمانی(سایر عوامل محیطی و سازمانی)</p>	<p>ساختاری</p>

تولیدات صورت گرفته در عرصه تولید علم دینی / عدم وجود مشوق ها و امتیازات مناسب جهت ایجاد خلاقیت و تحول در علوم انسانی و تنظیم عوامل ارتقاء و رتبه بندی مبتنی بر همان مؤلفه های فرهنگ علمی غرب (چاپ مقالات بدون توجه کافی به عنصر نوآوری، توجه بیش از حد به ISI نویسی و...) / جو بروکراتیک و اداری (غیر جهادی) حاکم بر فضای وزارت علوم / عدم وجود یک شبکه تحقیقات اسلامی منسجم در زمینه سامان دهی به تحقیقات بومی / نفوذ و فعالیت دشمن در ساختار حوزه های علمیه و ایجاد برخی تشکل های مخالف و زاویه دار با نظام اسلامی و مخالفت جدی آن ها با حضور دین در عرصه تعاملات اجتماعی بشر.

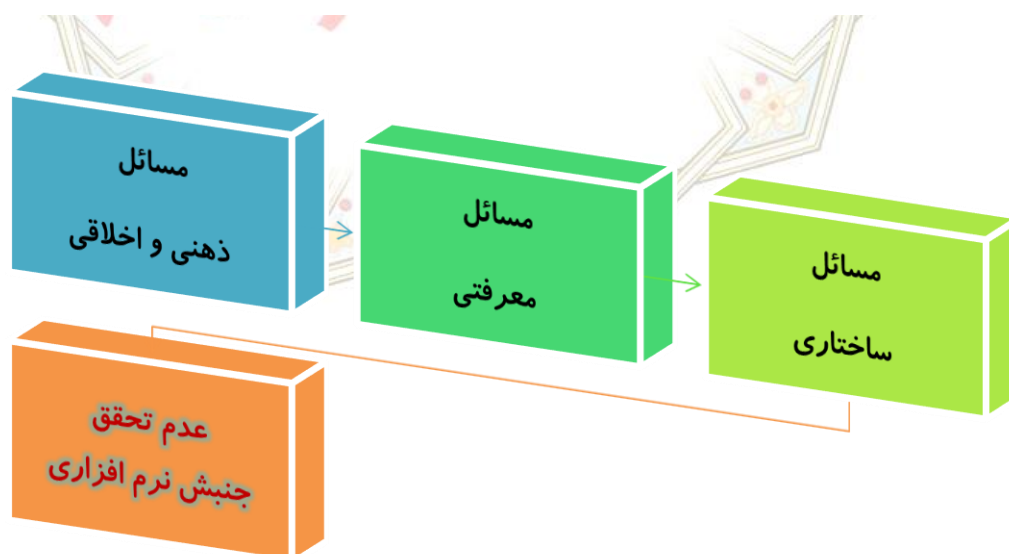
#### جدول شماره ۴ : شکل بندی مقوله های بکار رفته در مصاحبه ها (بعد ذهنی و اخلاقی)

مقوله کلی	مقوله های اصلی	برخی از مهمترین ابعاد اصلی هر مقوله (مقوله های فرعی)
	* مسائل فکری و ذهنی (با تأکید بر قابلیت های فکری و ذهنی)	۱. عدم وجود خلاقیت علمی، نگرش تحلیل گرایانه و نقادانه کافی در میان بسیاری از اساتید علوم انسانی / برخی مطلق انگاری های ذهنی در رد و پذیرش مسائل علمی در محیط های علمی و دانشگاهی / ساختار فکری سنتی و ذهن بسته برخی حوزیان.
ذهنی و اخلاقی	* مسائل اخلاقی <sup>۱</sup> (مشمتمل بر مسائل شخصی، روان شناختی و اجتماعی)	۲. خودباختگی شخصیتی بسیاری از اساتید علوم انسانی / غرب زدگی، دلداگی و لذت ذهنی و روانی (درونی شدن عناصر فرهنگ علمی غرب) در برخی دانشگاهیان / برتری طلبی، تعصب، جزم انگاری و عدم وجود روحیه حق پذیری در میان برخی از اساتید و متخصصین علمی کشور / تحریک روانی دانشجویان و مسئولین علیه مقوله علم دینی توسط برخی مخالفان و معارضان / استفاده ابزاری از فرهنگ علمی غرب جهت کسب هویت، شخصیت و برخی مواهب اقتصادی / استفاده ابزاری از مقوله علم دینی جهت رسیدن به برخی خواسته

<sup>۱</sup> با توجه به گستردگی طیف مسائل اخلاقی مربوط به علم در فرهنگ و آموزه های اسلامی، این قسمت، بسیاری از مسائل فردی، روان شناختی، جامعه شناختی و... را در بر می گیرد. لذا در این مقوله، بسیاری از مسائل را می توان گنجداد و سایر مسائلی که ناشی از ضعف های موجود در زمینه قابلیت های ذهنی و فکری است را می توان در مقوله اصلی مربوط به مسائل فکری و ذهنی قرار داد.

های اقتصادی و اجتماعی توسط برخی مدعیان تولید علم دینی/ برخی عزلت‌گزینی‌ها و عدم وجود علقه و همدلی لازم در میان اندیشمندان و فعالان عرصه تولید علم دینی/ و در مجموع: عدم وجود کافی تهذیب نفس، اخلاق و تقوای علمی در میان فعالان عرصه علمی و آموزشی.

اما در میان مقوله‌های شناسائی شده در این پژوهش، هرچند که این مقوله‌های کلی، اصلی و حتی فرعی؛ در یک سیستم ارتباطی نظامند، دارای ارتباطاتی نسبتاً متقابل با یکدیگر هستند ولی به طور کلی باید گفت که در میان این مقوله‌ها، مسائل معرفتی اعم از؛ سلبی و ایجابی، از جایگاه خاص و مهمی برخوردار می‌باشند؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت که عدم درک صحیح "مفهوم، ابعاد و حتی ضرورت تولید علم دینی" به وضوح بر بسیاری از مسائل ساختاری تأثیر گذاشته و سبب شده که بسیاری از مسائل ساختاری مبتنی بر این عامل معرفتی شکل و جهت‌دهی خاصی داشته باشد. اما به همین ترتیب می‌توان گفت که این مقوله‌های مهم معرفتی خود به نوعی (مستقیم یا غیرمستقیم) تحت تأثیر فضاهاى ذهنی و اخلاقی اندیشمندان و فعالان عرصه علم و دانش نیز می‌باشند برای مثال؛ عدم وجود قدرت تحلیل و نقادی کافی و یا حتی برخی تعصبات و برتری‌طلبی‌ها... می‌تواند بر درک صحیح مفهوم، جایگاه و اهمیت تولید علم دینی اثر گذاشته و به دنبال آن، ساختارهای علمی نیز بر اساس همین نگرش معرفتی افراد شکل و استقرار یابد و با ریشه‌دوانیدن در لایه‌های مختلف ساختاری، سالیان متمادی تداوم داشته باشد.



شکل شماره ۱: سیستم ارتباطی موجود بین مقوله‌های کلی شناسائی شده در پژوهش

## ب) کدگذاری محوری

پس از تجزیه و شکل بندی یافته های بدست آمده از مصاحبه ها و شناسائی مقوله های کلی، اصلی و فرعی (ابعاد مختلف موجود در مقوله های اصلی) موجود در آن ها، حال نوبت آن است که وارد مرحله جدیدی شده و گام های پایانی این بخش را برداریم. آنچه که قرار است در این قسمت انجام گیرد کدگذاری محوری یافته های موجود می باشد، لذا بایستی مقولات شناسائی شده را در قالب شش جعبه (یا مقوله) ی "مقوله محوری"، "شرایط علی"، "زمینه یا محیط"، "شرایط مداخله گر"، "راهبردها" و "پیامدها" به صورت زیر تنظیم و دسته بندی نمایم:

**\* مقوله محوری:** از آنجائی که مقوله محوری صورتی ذهنی از پدیده ای است که اساس این فرآیند و پژوهش است، و مسئله این قسمت نیز «بررسی موانع تولید علوم انسانی بومی (دینی)» است، می توان گفت پدیده مطرح در این مدل همان بحث «موانع پیش روی تولید علوم انسانی دینی» است که برای تحقق این فرآیند، موارد و عواملی همچون؛ «تعیین اهداف و مسئله اصلی»، «جلب توجه و حمایت لازم برای اقدام»، «انتخاب برخی از اساتید صاحب نظر برای همکاری» (در بحث مصاحبه ها)، «تنظیم و جهت دهی مراحل و فعالیت های مورد نیاز در پژوهش» و در نهایت «تهیه و پیشنهاد مدل نظری» مورد نیاز و پیگیری می باشد.

**\* شرایط علی:** این شرایط در واقع مربوط به شرایط، عوامل و مقوله هایی است که بر پدیده مورد نظر (مقوله محوری) تأثیر می گذارند، لذا با توجه به مقوله های شناسائی شده در مرحله کدگذاری باز، این شرایط و مقوله ها را می توان در سه دسته عوامل «معرفتی»، «ساختاری» و «ذهنی و اخلاقی» تقسیم بندی نمود، بنابراین این شرایط علی همان مجموعه مقولات کلی، اصلی و فرعی ای است که در قسمت قبل در قالب محورها و سپس جداولی، به صورت نسبتاً مفصل شکل بندی گردید.

**\* زمینه:** محیط یا زمینه نیز مقوله ها و شرایط خاصی است که بر راهبردها تأثیر می گذارند. از همین رو اگر بخواهیم در اینجا این شرایط را مد نظر قرار دهیم باید به عواملی همچون؛ «توانایی (علمی و ذهنی) اساتید معتقد به تولید علوم انسانی دینی»، «درجه دلبستگی اساتید به علوم انسانی فعلی»، «مدت زمان سپری شده و مورد نیاز» و... اشاره نمائیم.

**\* شرایط مداخله گر:** در کنار مقوله هایی محیطی که در برگیرنده شرایط خاص هستند، یک سری مقوله ها و شرایط زمینه ای عمومی نیز وجود دارند که بر راهبردها تأثیر می گذارند، این شرایط را می توان به نوعی همان مسائل مطرح در محیط سازمانی نیز دانست. با توجه به تأثیرپذیری مستقیم شرایط مداخله گر از شرایط علی و

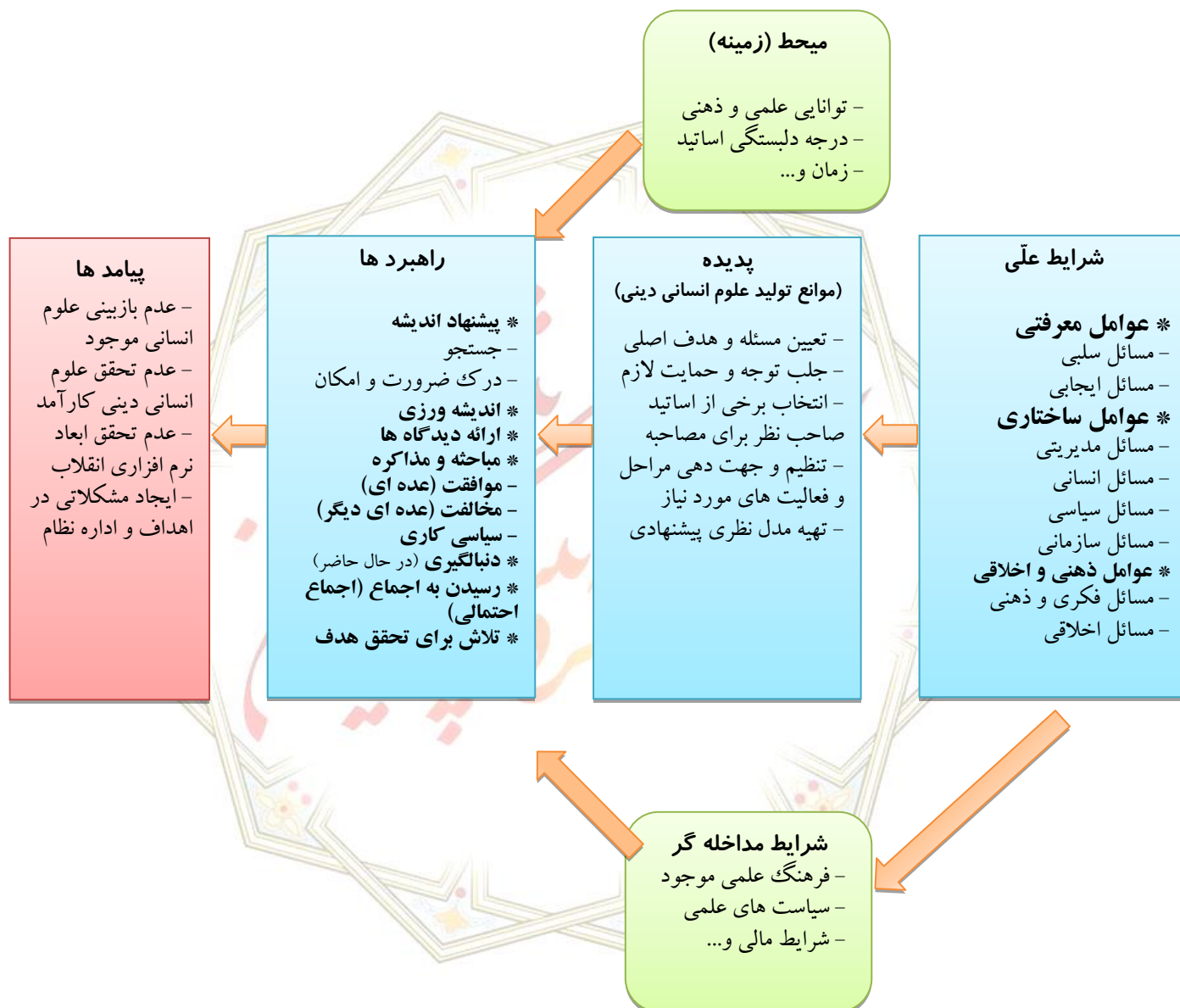
حضور عوامل ساختاری در میان مجموعه مقوله های شرایط علّی، در واقع می توان برخی از این مقوله های ساختاری (بلاخص عوامل سازمان) را به شکل خاص تری نیز در شرایط مداخله گر قرار دهیم، چرا این شرایط علاوه بر تأثیر در پدیده و مقوله محوری بر شرایط مداخله گر مؤثر در راهبردها نیز تأثیر می گذارند. اما برخی از این شرایط را می توان در مقوله هایی از قبیل؛ «فرهنگ علمی موجود در مراکز علمی»، «سیاست های علمی موجود»، «شرایط مالی» و... مشاهده نمود. البته هر کدام از این مقوله ها خود در بر گیرنده ابعاد و مقوله های فرعی زیادی است که در بخش مربوط به عوامل سازمانی در بعد ساختاری قابل مشاهده و بررسی است.

**\* راهبردها:** کنش ها خاص منتج از پدیده محوری را هم راهبردها می نامند که در واقع مجموعه ای از عمل ها و تعامل ها می باشد، با توجه به پدیده محوری این پژوهش، می توان مجموعه عمل های اصلی صورت گرفته از سوی هم موافقین و هم مخالفین علوم انسانی دینی را چنین بر شمرد: «پیشنهاد اندیشه» (جستجو، فهم ضرورت و امکان)، «اندیشه ورزی»، «ارائه مباحث»، «مباحثه و مذاکره»، «موافقت برخی»، «مخالفت برخی دیگر»، «سیاسی کاری» و در ادامه «دنبالگیری» این بحث جهت رسیدن به اجتماع احتمالی و تلاش در این زمینه.

**\* پیامدها:** اما برخی از مهمترین خروجی های حاصل از پدیده محوری و بکارگیری راهبردها عبارتند از: «عدم بازبینی و بازنگری مباحث علوم انسانی فعلی (به لحاظ مبادی فکری و کارآمدی آن) در سطح عمومی دانشگاه»، «عدم تحقق علوم انسانی دینی کارآمد»، «عدم تحقق ابعاد نرم افزارانه انقلاب» و «ایجاد مشکلات جدی در پیگیری اهداف، آرمان ها و اداره نظام جمهوری اسلامی».

### ج) گدگذاری گزینشی

پس از تحلیل مصاحبه ها، محور شناسی، شکل بندی و نیز تنظیم مقوله های شش گانه مزبور، حال در آخرین مرحله انجام این پژوهش نوبت به ارائه مدل نظری در مورد مسئله مورد مطالعه (موانع تولید علوم انسانی دینی) می رسد. برای تحقق این مهم لازم است که هر کدام از مقوله های تنظیم شده به درستی در محل های مناسب خود جاگذاری شده و نحوه ارتباط و تأثیر گذاری آن ها با یکدیگر مشخص گردد. با توجه به تمامی این مباحث، مدل نظری پیشنهادی حاصل از مطالعه و پژوهش انجام شده، در قالب چنین مدلی ارائه می گردد:



شکل شماره ۹-۴: مدل نظری پیشنهادی پیرامون بحث «موانع تولید علوم انسانی بومی (دینی) در ایران»

### بحث و نتیجه گیری

علم اندوزی و تولید علم و دانش از مؤلفه های اساسی زندگی بشر در طول سالیان متمادی و بالاخص سده های اخیر محسوب می گردد. امروزه نیز جوامع در پی آن هستند که با افزایش سهم خود در دایره تولید علم جهانی و همچنین کاربردی و صنعتی سازی آن، گام های اساسی را در ارتقاء حوزه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... جوامع خود بردارند. اما به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، در میان علوم مختلف، علوم انسانی و اجتماعی از اهمیت بسیار بیشتری برخوردارند چرا که همچون روحی در کالبد سایر علوم طبیعی و تجربی نیز

جریان دارد و در واقع این علوم، علمی جریان ساز هستند که جوانب مختلف زندگی اجتماعی را کنترل و هدایت می نمایند. از همین رو، در طی دهه های اخیر، علوم انسانی بیش از گذشته مورد توجه اندیشمندان و حتی دولتمردان جوامع مختلف (و از جمله جامعه ما) قرار گرفته و جایگاه آن در معادلات مختلف بشریت بیش از پیش ارتقاء یافته است.

علم به عنوان یک پدیده فرهنگی - اجتماعی، فارغ از شرایط و تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نبوده و در واقع این عوامل نقش بسزا و بسیار تأثیرگذاری در ماهیت و چگونگی شکل گیری یک علم (بالاخص در علوم انسانی و اجتماعی) دارند که البته این موضوع توسط بسیاری از صاحبان فکر و اندیشه مورد توجه و مذاقه قرار گرفته است. جامعه ایران نیز با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شاهد تغییرات و تحولات مهمی در مختصات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه خود بوده است، تحولاتی که بر خلاف فرآیند جهانی سازی فعلی، در پی باز گرداندن دین به عرصه های مختلف معادلات زندگی فردی و اجتماعی بشر بوده است. با به وجود آمدن چنین شرایطی، توجه به ضرورت و مطلوبیت تولید علم دینی (بالاخص در حوزه مطالعات علوم انسانی) در مجامع و مراکز حوزوی و دانشگاهی مورد توجه بسیاری از علما و اندیشمندان کشورمان قرار گرفت، البته هر چند که سابقه بحث لزوم تولید علم دینی به قبل از انقلاب اسلامی ایران باز می گردد اما با پیروزی انقلاب اسلامی، توجه به این ضرورت تاریخی چه در بُعد ملی و چه در بُعد فرا ملی (بالاخص در کشورهای اسلامی) فزونی قابل توجهی یافت. لذا قریب به چهار دهه است که بحث تولید علوم انسانی بومی (دینی) به عنوان یک ضرورت اساسی جهت تهیه نرم افزارهای مورد نیاز اداره نظام جمهوری اسلامی (جهت فراهم نمودن بسترهای لازم برای رسیدن به تمدن بزرگ اسلامی) و همچنین بازتولید اصول و مبانی انقلاب اسلامی از اهم مسائل پیش روی کشورمان محسوب می گردد.

بحث چرایی عدم توفیق چندان تولید علوم انسانی دینی در ایران و در واقع همان بحث شناخت موانع پیش روی تولید علوم انسانی اسلامی (علی رغم وجود دیدگاه ها و تلاش های صورت گرفته در این زمینه) همان هدف اصلی این مقاله بود که برای پرداختن به این مسئله، مصاحبه ها و جلسات گفتگویی با تعدادی از چهره های شاخص و صاحب نظر این حوزه ترتیب داده شد و نتایج بدست آمده در قالب روش نظریه داده بنیاد (گراندد ثنوری) تحلیل و ارائه گردیده است. طبق داده های بدست آمده و تحلیل های صورت گرفته، سه دسته از موانع «معرفتی»، «شناختی» و «ذهنی و اخلاقی» در مسئله موانع تولید علوم انسانی دینی شناسائی شد که در این میان، عوامل معرفتی با در بر گرفتن مسائل مختلف سلبی و ایجابی پیرامون علم غربی و علم دینی، به لحاظ جایگاه، از



اهمیت بیشتری برخوردار بود و عوامل ساختاری (مسائل مدیریتی، انسانی، سیاسی و سازمانی) نیز که تا حد بسیار زیادی تحت تأثیر عوامل معرفتی است مقولات بسیار زیادی را در خود جای داد و به لحاظ فراوانی مقوله‌ها، بیش از عوامل معرفتی و ذهنی مورد توجه و تأکید اساتید قرار گرفت. عوامل ذهنی و اخلاقی هم که می‌توان بسیاری از آن‌ها را به نوعی عوامل زمینه‌ای بسیار مهمی دانست نیز از عوامل مهم و تأثیرگذار در این مسئله بودند. مقولات شناسائی شده در مرحله کدگذاری باز، در مجموع و طی مراحل کدگذاری محوری و گزینشی، در قالب شش مقوله (پدیده محوری، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، زمینه، راهبردها و پیامدها) تنظیم و دسته‌بندی گردیده و با در نظر گرفتن یک منظومه ارتباطی دقیق، در قالب یک مدل نظری پیشنهاد گردید.

در هر صورت با وجود تمامی بحث‌هایی که پیرامون امکان، مطلوبیت، ضرورت، کیفیت و حتی موانع تولید علم دینی وجود دارد، آنچه که بسیار حائز اهمیت می‌باشد این موضوع است که موضوع تولید علم دینی بحثی بسیار حساس، پیچیده و فراتر از برخی تلاش‌های فردی و حتی گروهی بوده و نیازمند فراهم شدن دسته‌ای از عوامل و شرایط مختلف می‌باشد، بنابراین لازم است که عوامل مختلف ساختاری، معرفتی، ذهنی و اخلاقی با فکر و تأملی بالا و به درستی (و به صورت هماهنگ) در کنار یکدیگر قرار بگیرند تا بتوانیم منتظر نتایج مطلوب، واقع بینانه و مورد نیاز کشور عزیز اسلامی مان باشیم و در چنین شرایطی است که می‌توان شاهد برداشته شدن گام‌های مهم و اساسی‌ای در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی بود، تمدنی که می‌تواند فصل‌های جدیدی را در زمینه معادلات جهانی رقم زده و سرمنشأ تحولات شگرفی در جهان (بالاخص در کشورهای اسلامی) باشد. "به امید تحقق تمدن بزرگ اسلامی"

## منابع

۱. افروغ، عماد(۱۳۸۶) **محتواگرایی و تولید علم**، تهران: انتشارات سوره مهر.
۲. بازرگان، عباس(۱۳۹۱) **مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته**، تهران: نشر دیدار.
۳. چالمرز، آلن اف(۱۳۸۵) **چیستی علم**، ترجمه سعید زیباکلام، تهران: انتشارات سمت.
۴. حبیبی، غلامحسین(۱۳۹۳) **بینش روش‌شناختی**، تهران: انتشارات کتاب همه.
۵. خامنه‌ای - امام (رهبر معظم انقلاب اسلامی)، سیدعلی(۱۳۹۰) **روشنای علم**، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۶. دانایی فرد، حسن و همکاران(۱۳۹۱) **روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع**، تهران: انتشارات صفار.
۷. داوری اردکانی، رضا(۱۳۸۳) **فلسفه و انسان معاصر**، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

۹. قجری، حسینعلی و جواد نظری (۱۳۹۲) کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- ۱۰- میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۸۳) "ضرورت و راهکارهای جنبش نرم افزاری"، نشریه رواق اندیشه، مرداد ۱۳۸۳، شماره ۳۲: صص ۶۸-۵۵.
۱۱. مصاحبه با دکتر "تقی آزاد ارمکی" با موضوع «بررسی موانع پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۲/۳۰.
۱۲. مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین دکتر "صفر الهی راد" با موضوع «بررسی موانع پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۰۵.
۱۳. مصاحبه با دکتر "شهلا باقری" با موضوع «بررسی موانع پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۰۴.
۱۴. مصاحبه با دکتر "یحیی بوذری نژاد" با موضوع «بررسی موانع پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۲/۲۹.
۱۵. مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین دکتر "حمید پارسانیا" با موضوع «بررسی موانع پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۰۸.
۱۶. مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین دکتر "محمد حسین زاده" با موضوع «بررسی موانع پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۱۱.
۱۷. مصاحبه با دکتر "غلامرضا جمشیدیها" با موضوع «بررسی موانع پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۴.
۱۸. مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین دکتر "حسین سوزنچی" با موضوع «بررسی موانع پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۰۳.
۱۹. مصاحبه با دکتر "ابراهیم فیاض" با موضوع «بررسی موانع پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۰۲.
۲۰. مصاحبه با دکتر "مهدی گلشنی" با موضوع «بررسی موانع پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۰۶.
۲۱. مصاحبه با دکتر "عبدالحسین کلانتری" با موضوع «بررسی موانع پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۴.
۲۲. مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین دکتر "علی مصباح یزدی" با موضوع «بررسی موانع پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۰۵.
۲۳. پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت ا... العظمی خامنه ای (مد ظله العالی)

**.KHAMENEI.IR**